



۲۰۲۱/۰۹/۰۷

حنیف رهیاب رحیمی

طنز سیاسی

گمانم که سال ۲۰۱۳ بود، یک بار آوازه شد که نیروهای ائتلاف افغانستان را ترک می کنند. در آن وقت این طنز واره را نوشته بودم. اینک پس از ۸ سال باز هم با عین سناریو روبرو هستیم.

اگر حوصله داشتید و خواندید، سیاس پیشکی!

طنز سیاسی

بعد از ۲۰۱۴

هر صاحب نظر در مورد عواقب و پیامد های بعد از سال ۲۰۱۴ بر حسب نظر پاشی چیزکی میزکی می نویسد، که بالنتیجه بنده هم تحریک و تشویق شدم تا در این آش و کاسه خود را شریک سازم و نشود که خدا نخواست از آن بی نصیب بمانم، ولی رعایت نزاکت چیز نویسی وادارم می سازد تا حق اولیت را به قلمزن های بزرگ و زبده داده، حرف های آنها را اولتر خوب یک حلاجی کنم.

آوازه است که سربازان خارجی پس از قورت کردن چندین کیلو گرد و خاک و دود و باروت و پس از تحمل جدایی و مسافری طاقت فرسا از خانواده های شان و شب در میان دیدن خواب ها و کابوسهای پر دلهره و هراس، البته با از دست دادن چندین کیلو وزن به تناسب روز اول آمدن شان، بخیر دوباره نزد عیال و خانواده های چشم براه خود، به کاشانه های شان بر می گردند. کیفیت و لذت آن لحظه های پر از شوق و احساس دیدار را تنها کسانی می توانند درک نمایند که این گونه حالت را عملاً تجربه کرده باشند.

بسیاری ها عقیده دارند که پس از ۲۰۱۴ مسابقات بزکشی که فعلاً در جریان است به اوج خود می رسد و تعداد بزکش ها با اسپ های یاغی و سرکش، دو چند حتی سه چند در میدان مسابقه سرازیر می شوند و با حملات بز بزن و بز بگیر بگیر، بز نیمه جان و فلاکت زده را هر چاپ انداز طوری طرف خود می کشاند، که تفکیک بز از شغال، نا ممکن خواهد گردید و بدبختی دیگر اینکه ریفری و حکم میدان چون شمارش قول زدن ها از دستش می رود، به سرعت اسپ های بزکشی میدان را چنان ترک می کند که اگر اینبار به جای ریفری گری مقام وزارت بزکشی هم برایش پیشکش شود، گوشش را به کری خواهد زد و دیگر هرگز حاضر به انجام این وظیفه نخواهد شد.

البته این تنها نخواهد بود، آن‌عه که بزکشی نمی‌توانند، و شب و روز در تب‌داشتن یک اسب می‌سوزند، نظر به توان و علاقه خود، میدان‌های خورد و ریزه سگ‌جنگی، مرغ‌جنگی و گاو‌جنگی را نیز در گوشه و کنار سازمان خواهند داد و بالاخره به میان می‌آید یک صحنه تراژیدی که آنرا قیامت صغرا هم می‌توان نامید.

عه ای هم عقیده دارند که خر یگانه حیوان بیطرفی خواهد بود که این مسابقات ضد انسانی را تحریم نموده آنرا مخالف پالیسی بیطرفی و عدم انسلاک خود تلقی و رسماً در هیچ‌نوع فعالیت‌های قهر آمیز شرکت نخواهد داشت اما باز هم نظر به مکلفیتی که از روز الست بر ذمه اش گذاشته شده، اجازه ندارد از نقل و انتقال شهدا و مجروحین مسابقه شانه خالی نماید. تماشاگران این مسابقات هیجانی که خیلی‌ها به ندرت و به مشکل در دنیا بره انداخته می‌شود، بدون پرداخت یک قران در جاهای خود نشسته و از طریق ستلایت‌ها و تلویزیون‌ها و فرستاده‌های شان سیل و تماشای مفت و مجانی و چک‌های خود را می‌کنند.

باز هم پیش ازینکه از خود چیزی بنویسیم، بعضی مفسرین می‌نگارند که بعد از ۲۰۱۴ حالات در وطن بهتر می‌شود به دلیل اینکه تا حالا اگر عه ای از اولیای امور بنا بر وسوسه شیطان لعین، هر دو دست شان را در جیب بیت المال فرو برده اند، آنرا بیرون خواهند کشید زیرا به مصداق ضرب المثل: هر چه از حد بگذرد رسوا شود. قاچاقبران خزانه ملت که چند بار اینطرف و آنطرف در خارج با پشتاره گیر آمدند، می‌گویند حالا دگر در حساب‌های پس انداز آنها جای نموده لهذا به توبه توصل ورزیده و تصمیم برین می‌گیرند که منبع با گشتاندن یکدانه تسبیح سنگ شاه مقصود و یا کهربا، به ذکر پروردگار خویش می‌پردازند و صداقت و امانت و غمخواری ملت را پیشه می‌سازند.

خوشبختانه!! راپور های امسال نشان دهنده این موضوع است که تعداد بیشماری از اراکین بلند رتبه حکومت و کرایه نشینان خانه ملت یعنی وکیل صاحبان انتخابی مردم، به انجام وظایف دولتی (دنیایی) پشت پا زده و سر و موی کنده و سینه زنان به زیارت خانه خدا (ج) خود را مشرف ساختند و عه ای هم پس از سنگسار کردن شیطان بی‌پدر، در غندی عرفات که محل پوزش از گناهان کبیره و صغیره و متوسطه است (علمای اختلاس، سرقت از دارایی مملکت را در کتگوری متوسطه شامل ساخته اند) رفته، خود را به خاک‌ها مالیدند و احرام‌ها پاره کردند تا مگر خداوند بی‌نیاز بالای شان رحم کرده دل‌های کرخت شان را برای خدمت و مرهم‌گذاری زخم‌های ناسور شده ملت بیست و چند میلیونی در بدر، آواره، مظلوم و رنج‌دیده افغان هدایت نیک نماید و بیش ازین داستان شان را توفیق ندهد که بسوی کارهای خراب دراز شود که به این حساب پیش بینی می‌شود که گدی پران استفاده جویی و فساد اداری از مقامات بلند دولتی آزاد می‌شود و خدا کند پایین رتبه‌ها آنرا به آزادی نگیرند. اما اگر این ضرب‌المثل عامیانه راست شود: (حاجی که از حج برگشت - مار بود اژدر گشت) دیگر کار مُلک و ملت ما زار می‌گردد.

از آنجایی که همه می‌دانیم پیش‌پزکی کار پسندیده نیست باز هم پیش از ابراز نظر خود، ببینیم منتقدین درین عرصه دگر چه دُر سفته اند :

عه ای تأکید می‌دارند که بعد از ۲۰۱۴ دو کشور همسایه غربی و شرقی ما، مانند روباه بالای دُم شان نشسته، صبورانه و محیلانه در حال انتظار اند تا ببینند چه وقت فرصت میسر می‌شود و لقمه چرب و لذیذ باز در دست شان قرار می‌گیرد. این تبصره، قصه ای را به یادم آورد که بی‌مورد نیست با شما خواننده عزیزتر از جان آنرا شریک نمایم:

گویند اشتر بیماری که دیگر امیدی به زنده ماندن نداشت، در گوشه ای خود را به دست ظالم مرگ سپرده و نومیدانه مصروف جان کندن بود، تصادفاً روباه مکاری از آنجا می گذشت و چشمش از دیدن اشتر در حال نزع روشن شد و ذوق زده باخود گفت مطمئناً که یک گوشت شکم سیر دستگیری کرد که نه تنها ما روباه ها را بس است بلکه به همه سیال ها یعنی شغال های منطقه هم یک مهمانی مکلف داده می توانیم. بناءً به آهستگی رفت و صبورانه بالای سر اشتر نشست، اشتر با دیدن روباه مکار، پی به نیت خاینانه او برد و با زبان التماس گفت :

- روباه جان درست است که من مریض هستم، اما تو برو پشت کارت، زیرا من تا روز ۴ شنبه نمی میرم.

- روباه با خونسردی جواب داد: پروا ندارد اشتر جان، من عین تا روز جمعه بیکار هستم.

با یاد آوری این قصه در دلم افسوس می خورم که کاش همسایه های ما حد اقل شرافت آن روباه را می داشتند، این ها از سال های سالست که شمشیر در آستین پنهان، منتظر فرصت مناسب می گردند، مخصوصاً این یکی اش که در سمت شرق ما قرار دارد، یک معجون مرکبست که در هیچ قاموس دنیا تعریفی برایش وجود ندارد، اگر کسی با من موافق نیست، من معرفی اش می کنم نامگذاری اش بر دوش شما:

سن : شصت و پنج سال

آب و هوا: سه درجه سرد تر از دوزخ

شکل جغرافیایی: مانند شلغم، دراز، کج و غیر منظم

ترکیب جغرافیایی: گدی پران سه پارچه، یعنی کشمیر + پشتونستان و بلوچستان + پنجاب

دین: چیزی مشابه به اسلام

قانون: انگلیسی

فرهنگ: هندوستانی،

تخصص: دروغ، چال، نیرنگ، خدعه و فریب

خصلت : کور خود بینای مردم

تولیدات: پوقانه و جرنگانه،

غذای مشهور: دال و مرچ سرخ

صادرات: آدمکش، انتحاری و تروریست

دوستان: سعودی و قطر

دشمنان: همگی، بخصوص هندوستان، افغانستان، بنگله دیش بیچاره، امریکا و

مهارت هنری: تقلید از فلم های هندی و کاپی از موسیقی افغانی

و بالاخره تخصص : دارای مقام اول در ساختن وسایل و مصنوعات بدل و کم اصل و غیره

مبصرین از همسایه جناح غرب ما هم به نیکویی یاد نکرده اند، و میگویند آن ها که دم از اسلام و اسلامیت می زنند و با این ادعای شان دنیا را بند انداخته و به فلک تن نمی دهند، اما از صله رحم و مسلمانی بهره ای ندارند چنانچه ماهانه ده ها تن افغان نگون بخت را که همه مسلمان سچه هستند و برای کار و مزدوری به ایران رفته اند، تحت بهانه های گوناگون از دار حلق آویز می کنند و یا با دانگ و سوته از خاک شان بیرون می افکنند و این کار را بیشتر در زمستان های سرد و یخبندان انجام می دهند که از شدت سردی هلاک شوند.

آنها از کم فوٹی ما، در امر طبع کتب و نداشتن چاپخانه ها، استفاده نموده، تمام شعرای زبان دری را تاپه ایرانی زده اند که به یقین گفته می توانم اگر یکی از آن شعرای نامدار ما به طور نمونه حکیم سنایی غزنوی زنده می بود، به پاسخ این ادعای آن ها یک تار ریش را در روی احمدی نژاد و خاتمی و دیگر آخوندهای مغرض و حقه باز نمی گذاشت.

باز می آییم سر اصل مطلب یعنی نظر این جانب در باره اینکه پس از ۲۰۱۴ در کشور ما چه اتفاق خواهد افتاد، اول خو شکر به دیگر مفسرین و مبصرین که تا اینجا از آن ها نقل قول کرده آمد، و گرنه تبصرهء من هیچ مدان درین باره فقط یک سطر می بود و آنهم اینکه :

در این شرایط بغرنج اگر سقراط حکیم زنده می بود، دو گیلان زهر دیگر هم سر می کشید و ابراز نظر نمی توانست. اما من از صداقت، کم دانشی و احساساتی بودن مردم خود، از حيله گری بیش از حد دشمنان و از جیب خالی دولت خیلی ها در تشویش هستم، اگر یک خیر اندیش واقعی در کنار ما باشد به کمک پروردگار و به همت انسان های خوب بر مشکلات پیروز خواهیم شد اما باز هم اینکه بعد از ۲۰۱۴ چه اتفاق خواهد افتاد. والله اعلم



برای مطالب دیگر حنیف رهیاب رحیمی روی عکس کلیک کنید